فصلنامه علمی ـ پژوهشی پژوهش‌نامهٔ تاریخ اسلام
سـال ششم، شماره بیست و یکم، بهار ۱۳۹۵
صفحات ۵۹ – ۷۹

بررسی ساختار دیوانی و چگونگی ادارهٔ آستانه‌ها در دورهٔ صفویه

ابوطالب سلطانیان[۱]
حسن کهنسال واجارگاه[۲]

چکیده

از جملـه موضـوعات قابـل توجـه در دورهٔ صـفویان، چگـونگی سـاختار دیـوانی و ادارهٔ آستانه‌هاست. در این دوره، رویکرد دینی صفویان، سبب گسترش کمّی و کیفی آستانه‌ها و در نتیجه پیچیدگی بیشتر ساختاری آن‌ها شد. از سوی دیگر، این گسترش همـراه بـا افزایش هزینه‌های تعمیر و نگه‌داری بود که باید از منابعی تأمین مـی‌گردیـد. ضـرورت تأمین چنین منابعی نیز به نوبه خود، سبب گسترش موقوفات و در پی آن توسعهٔ بیشـتر نظام دیوانی شد. با وجود چنین تحولاتی، ساختار نظام دیوانی آستانه‌های بزرگـی چـون مشهد، قم، ری (حضرت عبدالعظیم)، عتبات عالیـات و بقعـهٔ اردبیـل، بـه‌ویـژه از منظـر تطبیقی، در این دوره چندان مورد بررسی قرار نگرفته‌اند.

بنابر آن‌چه گفته شد، این پرسـش در ایـن‌جـا مطـرح اسـت کـه سـاختار و تشـکیلات دیوانی، سلسله‌مراتب متولیان و کارگزاران در هر آسـتانه چگونـه بـوده و آسـتانه‌هـا در این زمینه‌ها چه تشابهات و تفاوت‌هایی با هم داشته‌انـد؟ از سـوی دیگـر، از آن‌جـا کـه مسائل اقتصادی نیز بخشی از نظام دیوانی را تشکیل می‌داد، این پرسش مطرح می‌شود که کمّ و کیف عواید و مصارف آستانه‌ها چگونه بود؟ بر این اساس، در پژوهش حاضـر، کوشش بر این است که این‌گونه مسائل، تا حد امکـان بـا رویکـردی تطبیقـی بررسـی شوند. بررسی پرسش‌هایی از این دست، تصویری روشن‌تر از نظام دیوانی و نحـوهٔ ادارهٔ آستانه‌ها ارائه می‌دهد و در عین حال، نقش و کارکرد صفویان را در این زمینه‌ها بیشـتر آشکار خواهد کرد.

واژگان کلیدی: صفویان، آستانه، ساختار دیوانی، متولیان و کارکنان، عواید و مصارف.

---

۱. استادیار تاریخ دانشگاه گیلان. (نویسنده مسئول) a-soltanian@guilan.ac.ir
۲. استادیار تاریخ دانشگاه گیلان. kohansal@guilan.ac.ir
دریافت: ۹۵/۰۱/۱۷؛ پذیرش: ۹۵/۰۳/۱۷

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-16]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.21.3.1]

مقدمه

دورهٔ صفویان را می‌توان سرآغازی نوین در بازسازی آستانه‌ها و بقاع متبرکه دانست. در این دوره، رویکرد دینی حاکمان و بزرگان صفوی، سبب توجه بیشتر آنان به آستانه‌ها و بقاع متبرکه شد. در نتیجه بسیاری از آستانه‌ها و بقاع، بازسازی و احیا گردیدند. از این‌رو، به همان نسبت که آستانه‌ها توسعه و تکامل می‌یافتند، ساختار دیوانی و ادارهٔ آن‌ها نیز گسترده‌تر و پیچیده‌تر می‌شد. این پیچیدگی‌ها و ابهامات تاریخی موجود در نظام دیوانی آستانه‌ها از یک‌سو و ضرورت بررسی مقایسه‌ای این نظام از سوی دیگر، اهمیت انجام چنین پژوهشی را دوچندان می‌کند.

اما به لحاظ پیشینهٔ پژوهش، باید گفت پژوهش‌هایی به‌طور جداگانه دربارهٔ هریک از آستانه‌ها صورت گرفته است. در نگاهی کلی، این پژوهش‌هارا می‌توان در موضوعاتی چون وقف، وقف و تشیع، تاریخچهٔ آستانه‌ها، وقف و واقفان دسته‌بندی کرد (برای نمونه، نک: احمدی، ۱۳۸٤؛ حسن‌آبادی، ۱۳۸۲؛ امیری، ۱۳۸٤؛ نوایی و احمدی، ۱۳۸۱). اما در دورهٔ مورد بحث، چندان مطالعه‌ای دربارهٔ مسائل دیوانی آستانه‌ها، به‌ویژه با رویکرد تطبیقی انجام نشده است. از این‌رو، در این‌جا کوشش بر این است که ساختار آستانه‌ها و بقاع مهم با رویکردی مقایسه‌ای مطالعه شوند که ضمن رفع پاره‌ای از ابهامات، تفاوت‌ها و تشابهات ساختار دیوانی آن‌ها نیز بیشتر آشکار گردد.

بر این اساس، برای بررسی دقیق‌تر، این موضوع به دوبخش تقسیم می‌شود؛ در بخش نخست، کمّ و کیف ساختار دیوانی آستانه‌ها واکاوی می‌گردد که مسائلی چون مقام و جایگاه متولیان، وظایف و مسؤلیت آنان، سلسله‌مراتب دیگر دست‌اندرکاران و نیز تقسیمات و تشکیلات مربوط به هریک از آستانه‌ها آشکار شود. همچنین، از آن‌جا که مسائل مالی و اقتصادی ـ مانند کمّ و کیف عواید و مصارف هر آستانه و بقعه ـ نیز بخشی از مسائل دیوانی را تشکیل می‌دهند، در بخش دیگر این پژوهش، مسائلی از این دست مورد مطالعه قرار می‌گیرند.

در این راستا باید گفت نوسازی و نگه‌داری آستانه‌های امامان علیهم‌السلام و دیگر تأسیسات تحت پوشش آن‌ها مانند مساجد و مدارس و نیز پرداخت حقوق متولیان و خدمتکاران این تأسیسات، هزینه‌هایی سنگین می‌طلبید. از این‌رو، در این‌جا نیز این مسئله وجود

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-16]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.21.3.1]

دارد که چنین هزینه‌های سنگینی در هریک از آستانه‌های یادشده چگونه و از چه منابعی تأمین می‌شد؟ در این‌باره به نظر می‌رسد ضرورت تأمین چنین هزینه‌هایی در گسترش موقوفات هرآستانه مؤثر بوده و در نتیجه موقوفات بسیاری، نه‌تنها در سراسر ایران، بلکه در خارج از کشور نیز به آستانه‌ها اختصاص داده شد.

در عین حال، یادآوری این نکته نیز لازم است که در پژوهش حاضر، چند آستانهٔ مهم همچون مشهد، قم، ری، عتبات عالیات و بقعهٔ اردبیل ـ که بیشتر مورد توجه خاص صفویان بوده‌اند ـ به صورت کلی مورد مطالعهٔ تطبیقی قرار می‌گیرند. دیگر این‌که به لحاظ منابع و مآخذ، تکیهٔ این پژوهش بیشتر بر نوشته‌ها و آثار مورخان رسمی دورهٔ صفوی است تا از لابه‌لای آن‌ها اطلاعات مربوطه استخراج شود.

الف) ساختار و تشکیلات دیوانی آستانه‌ها

در این بخش، برای بررسی دقیق‌تر ساختار و تشکیلات دیوانی آستانه‌ها، نخست منصب و جایگاه متولی، به عنوان یکی از عناصر اصلی و تأثیرگذار هر آستانه و نیز انواع تولیت مورد بحث قرار می‌گیرد که جایگاه، مرتبه و تفاوت‌های موجود در این منصب، در هریک از آستانه‌ها مشخص شود. سپس وظایف و اختیارات متولیان، کارکنان تحت نظارت آنان و چگونگی ادارهٔ مؤسسات و موقوفات وابسته به آستانه‌ها بررسی می‌شوند.

۱. متولیان و مناصب آنان

به نظر می‌رسد پیشینهٔ تاریخی واژهٔ «متولی» به دورهٔ صفویان بازمی‌گردد؛ زیرا در روزگار آنان بود که تشکیلات دیوانی آستان قدس (همانند دیگر آستانه‌ها) بازسازی و ساماندهی شده. پیش از آن دوره، ادارهٔ آستانهٔ قدس ـ که چندان گسترده نبود و عواید کمتری نیز داشت ـ بر عهدهٔ نقیبان بوده است (حسن‌آبادی، ۱۳۸۲: ٤١)؛ اما با گسترش ساختاری و دیوانی آستانه‌ها در این دوره، تحولی نیز در جایگاه و منصب متولی پدید آمد و به لحاظ سلسله‌مراتب دیوانی، متولی به عنوان بالاترین مقام، در رأس آستانه قرار گرفت.

البته، با توجه به رهبری معنوی و سید بودن صفویان و این‌که آنان خود را نایب امام

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-16]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.21.3.1]

غایب تلقی می‌کردند، خویش را متولیان اصلی آستانه‌های امامان و امامزاده‌ها نیز می‌دانستند. اما پادشاهان صفوی با تعیین متولیان، درواقع این حق خود را به آنان تفویض می‌کردند. از این‌رو، به‌کار بردن اصطلاح «تفویض» در *دستورالملوک* و *تذکرةالملوک*، ناشی از همین موارد نیز هست که به موجب آن حق تولیت شاه به دیگران واگذار می‌شد (میرزا رفیعا، ۱۳۸۵: ۳۵۰). بر این اساس، در دورهٔ صفویان، متولیان به عنوان نایب شاه، از بالاترین مقام‌ها در آستانه‌ها به‌شمار می‌رفتند که مسؤلیت تمام امور آستانه و موقوفات مربوط به آن را بر عهده داشتند.

اما در مقام مقایسه باید گفت در این دوره، مقام و مرتبهٔ یک متولی، به اهمیت و عظمت آستانهٔ تحت نظارتش نیز بستگی داشت. از این‌رو، منصب متولیان آستانه‌های بزرگ، در ردیف مناصب امیران و مقامات عالی‌رتبهٔ مملکتی قرار می‌گرفت. برای مثال، در آغاز کار صفویان، متولی عتبات در عراق مرتبهٔ امیری داشت. شاه‌اسماعیل یکم (۹۰۷ – ۹۳۰)، پس از فتح عراق عرب در سال ۹۱٤، سید محمد کمونه را به عنوان متولی عتبات عالیات منصوب کرد و به وی رتبهٔ امارت داد و طبل و علم و خیل عطا کرد (شیرازی، ۱۳٦۹: ٤۷؛ غفاری قزوینی، ۱۳٤۳: ۲۷۲). در همین زمان، خادم‌بیک که به حکومت عراق عرب گمارده شده بود، مأموریت داشت در تعمیر و توسعهٔ مزارهای امامان با متولی یاد شده همکاری کند (خواندمیر، ۱۳۵۳: ٤۹٦).

از دیگر آستانه‌های مهم، آستانهٔ امام رضا در مشهد بود. به همین دلیل، متولی این آستانه نیز مقام و مرتبه‌ای بالا داشت. بنا به نوشتهٔ *دستورالملوک*، متولی آستانهٔ امام رضا دارای عنوان «عالیجاه» بوده است (میرزا رفیعا، ۱۳۸۵: ۱٤). عالیجاه در این دوره، از آن چهارده تن از صاحبان عالی‌ترین مناصب حکومتی بود (مینورسکی، ۱۳۷۸: ۸۱).

اما به لحاظ ساختاری و بر اساس وظایف محوله، در منابع دورهٔ صفوی گفت‌وگو از دو نوع تولیت (دو منصب) در آستانهٔ امام رضا شده است؛ «تولیت سنّتی» و «تولیت واجبی». آن‌چه از سیورغالات و از «سرکار خاصهٔ شریفه» (املاک و بیوتات سلطنتی) صرف آن آستانه می‌شد ـ مانند مصالح شیلان (سفرهٔ طعام)، مقرری خادمان و مدرسان و وظیفه‌بگیران و علما و فضلا و دیگر اربابان استحقاق ـ بر عهدهٔ تولیت سنتی

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-16]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.21.3.1]

بود. اما وظایف «تولیت واجبی» عبارت بـود از کنتـرل عوایـد اوقـاف و نـذوراتی کـه مصرف آن‌ها معیّن بود و باید طبق شروط واقفان عمل می‌شد (ترکمان، ۱۳۸۲: ۱٤۹). از این‌رو، هر یک از این دو گونه تولیت، متولی خاص خود را داشتند. برای مثال، در آغاز حکومت صفویان، تولیت سنتی بر عهـدهٔ شـاه‌اسـماعیل یکـم (۹۰۷ – ۹۳۰) بـود و در اواخر حکومت شاه‌تهماسب یکم (۹۳۰–۹۸٤) نیز میرکمال‌الدین ـ از سادات اسـترآباد ـ تولیت سنتی و میرزا ابوالقاسم ـ از سادات خلیفهٔ اصفهان ـ تولیت واجبی آسـتانهٔ امـام رضاعليه‌السلام را به عهده داشته‌اند (همو).

بقعهٔ اردبیل نیز از آن روی که مدفن اجداد صفویان و شاه‌اسماعیل یکم بود، اهمیتـی ویژه داشت و متولی آن نیز دارای مقامی بالا بود. برای این متـولی نیـز عنـاوینی چـون «حاکم»، «بیگلربیگی» و «قورچی‌باشی» ذکـر شـده اسـت. بـرای مثـال، در سـال ۱۰٦۵ نظرعلی‌خان ـ که متولی دارالارشاد اردبیل بود ـ عنوان «حاکم» داشت. اما وی به علـت تصرف موقوفات آن بقعه و شکایات رعایا، از حکومت عـزل شـد و امـوال او نیـز بـه جبران سوءاستفاده‌هایش مصادره گردید و در پی آن، اردبیل نیز ضمیمهٔ اراضـی خاصـه شد (وحید قزوینی، ۱۳۲۹: ۲۱٦). از آن پس منصب تولیت آن بقعه به مرتضی قلی‌خـان رسید که او نیز پیش از این، منصب قورچی‌باشی داشـت. قـورچی‌باشـی یـک منصـب نظامی به شمار می‌رفت که به لحاظ مقام، پس از وزیر اعظم بـود (مینورسـکی، ۱۳۷۸: ۸۵). میرزا رفیعا گزارش می‌دهد که تولیت مزار خاقان رضوان مکان (شاه‌اسماعیل یکم) با یکصد تومان حق‌التولیه، با قورچی‌باشیان بوده اسـت (میـرزا رفیعـا، ۱۳۸۵: ۱۹۰). در *عباس‌نامه* نیز آمده است که بیگلربیگیان آذربایجان، معمـولاً متـولی مـزار شـاه‌اسـماعیل بوده‌اند (وحید قزوینی، ۱۳۲۹: ۲۳۵).

از این گزارش‌ها چنین برمی‌آید که مزار شاه‌اسماعیل نیز متولیانی بلندپایه داشته است و این متولیان جدای از متولیان بقعهٔ اردبیل بوده‌اند. دلیل دیگر این دیدگاه، این است که مقابر پادشاهان صفوی در قم[1] نیز هرکدام متولی جداگانـه‌ای داشـتند. از سـویی، بقعـهٔ اردبیل نیز همانند آستان قدس دارای دو متولی با دو عنوان بود؛ یکی «جدید» و دیگری

۱. شاه صفی، شاه عباس دوم، شاه سلیمان، شاه سلطان‌حسین، تهماسب دوم و نیز برخی شاهزادگان صفوی که به دست افغانان کشته شدند، در قم دفن شده‌اند (مستوفی، ۱۳۷۵: ۱۳۷، ۱۱٤، ۱۱۱؛ میرزا رفیعا، ۱۳۸۵: ۳۵۰).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-16]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.21.3.1]

«قدیم». متولی جدید کسی بود که مسئولیت ادارهٔ امـور آسـتانه را برعهـده داشـت؛ امـا متولی قدیم عهده‌دار امور موقوفات آستانه بود (میرزا رفیعا، ۱۳۸۵: ۱۷۹).

آستانهٔ حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام نیز در دورهٔ شاه‌تهماسب یکـم (۹۳۰-۹۸٤) دو متـولی داشت که توسط وی منصوب شده بودند؛ یکی امیر نظام‌الدین علی‌شاه و دیگـری امیـر حسام‌الدین ابراهیم. این دو، متولیان قـدیم (یـا شـرعی) موقوفـات تعیـین شـده بودنـد (عقیلی، ۱۳۷۸: ۷۲) و ـ چنان‌که از عنوانشان پیداست ـ هردو منصب «امیـری» داشـتند که باید از امرای قزلباش بوده باشند. باز در اواخر همان قرن دهم، از یک مقام دربـاری با عنوان «ایشیک آقاسی‌باشی» (رئیس تشریفات سلطنتی) نام برده شد که ضمن داشـتن حکومت ری، متولی آن آستانه نیز بوده است (رهربرن، ۱۳٤۹: ۱۰۷و٤٤). احتمـال دارد وی متولی تفویضی بوده باشد.[1] افزون بر این‌ها در همین آستانه، از منصب دیگـری بـا عنوان «متولی استصوابی» یاد شـده کـه مقـام بـالاتری بـوده و هـردو متـولی شـرعی و تفویضی باید وظایف خودرا با صوابدید وی انجام می‌دادند (عقیلی، ۱۳۷۸: ۷۳). چنـین منصبی در دیگر آستانه‌ها دیده نشده است.

گزارش دیگری حاکی است متولی آستانهٔ حضرت معصومه علیهاالسلام نیز مـردی سرشـناس بود که پیش‌تر سمت قورچی‌باشی داشت؛ یعنی وی فرمانده کل سی‌هـزار تـن سـپاهی بوده است. نیز این‌که تولیت مقابر سه‌گانهٔ پادشاهان صفوی در قم را سه تـن از رجـال سرشناس به عهده داشتند که عواید و مصارف هر مقبره زیر نظـر مسـتقیم آنـان تنظـیم می‌شد (میرزا رفیعا، ۱۳۸۵: ۳۵۰).

در مجموع، این داده‌ها حاکی از آن است که در دورهٔ مورد بحث، متولیان آستانه‌های بزرگ ـ با تفاوت‌های منصبی جزئی ـ از مقامات عالی‌رتبهٔ کشوری و لشکری و بیشتر، از دودمان‌های سادات منصوب می‌شدند. اما امامزاده‌ها و مزارهای کوچـک‌تـر، توسـط مقامات محلی ـ که به لحاظ سلسله‌مراتب دیوانی در رده‌هایی پایین‌تـر قـرار داشـتند ـ اداره می‌شدند. برای مثال، در طوماری که از «بناک» مازندران به‌دست آمده و مربوط بـه دورهٔ صفویان است، بیش از ۸۳ مزار نام برده شده که هر یک موقوفاتی خاص داشته‌اند

۱. در آستانهٔ حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام، متولی قدیم را «متولی شرعی» نیز می‌نامیدند. اما متولی تفویضی به کسی گفته می‌شد که تولیت موقوفات مقامات به وی تفویض شده بود.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-16]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.21.3.1]

و توسط مقامات محلی همچون ملاباشی، ریش‌سفید، رئیس، شیخ‌الاسلام، میرچه و... اداره می‌شده‌اند (باستانی پاریزی، ۱۳٤۸: ۷۵).

۲. وظایف و اختیارات متولیان

مسئلهٔ دیگر در ساختار دیوانی آستانه‌ها، وظایف و اختیارات متولیان آستانه‌هاست که کمّ و کیف آن نیز بسته به اهمیت و گستردگی هر آستانه، متفاوت بود. در این‌باره نیز وظایف و اختیارات متولی «سرکار فیض‌آثار» (آستانهٔ امام رضاؑ و تشکیلات موقوفات آن) بسیار گسترده بود. این وظایف ـ آن‌چنان‌که در *دستورالملوک* آمده است ـ عبارت بود از نظم و نسق و نظارت بر کتابخانه، شربت‌خانه، دارالشفا، آشپزخانه، عطارخانه، فراش‌خانه، حویج‌خانه (انبارخواروبار)،[1] شماعّی‌خانه (شمع‌خانه)، خبّازخانه، ایاغ‌خانه (آبدارخانه)، قصاب‌خانه، هیمه‌خانه، راسته، شیلان، روشنایی، رُخوت (جمع رخت) و خلاع که بین افراد مشخص تقسیم می‌شد. همچنین تجویز سرکشیکان، خادم‌باشیان، خدمه، حُفاظ کلام‌الله، اطباء، منجم، خزانه‌دار، صاحب نسق، فراشان، بُخورسوزان، مؤذنان، درباریان، ایاغچیان (آبدارچیان)، علمداران، باغبانان، عملهٔ نقارّه‌خانه، بیلدارباشی و همگی عملهٔ کارخانجات و بیوتات (میرزا رفیعا، ۱۳۸۵: ۱۷۳ – ۱۷٤).

افزون بر این‌ها، عزل و نصب، بازخواست و تنبیه هریک از اینان، تکثیر و توفیر زراعات و عمارات و باغات، حواله و اطلاق و تنخواه دادن به تحویلداران از کارخانجات مزبور، مواجب و مقرری ناظر و مستوفی و سرکشیکان و خادم‌باشیان و تمام منشیان آن آستانه، از جملهٔ وظایف متولی به شمار می‌رفت (همو). همچنین نظارت بر کار وزیر و مستوفیان موقوفات سرکار فیض‌آثار نیز بر عهدهٔ متولی بود و اینان در مقابل وی مسئول بودند؛ زیرا از جملهٔ وظایف گستردهٔ این متولی تکثیر و توفیر زراعات و عمارات و باغات بوده و مواجب و مقرری ناظر و مستوفی و ... نیز با وی بوده است (همو).

به لحاظ مقایسه، وظایف متولیان در دیگر آستانه‌های مهم نیز کمابیش همانند

۱. برای آگاهی بیشتر از معانی و مفاهیم اصطلاحات دیوانی و تاریخی دورهٔ صفویه، نک: سلطانیان، ۱۳۹۳: ۱٦۹ – ۱۷٦.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-16]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.21.3.1]

وظایف متولی آستانهٔ امام رضاعليه‌السلام بود. برای مثال، وظایف متولی مزارهای پادشاهان صفوی در قم عبارت بود از نسق شیلان (ترتیب سفرهٔ طعام)، وصول مقرری سرکارات (عواید موقوفات مربوطه)، تنقیح (تصفیهٔ) محاسبات تحویلداران، نظم و نسق عمله و حفّاظ و دیگر امور مربوط به مزارها (همو: ۱۷۸). همچنین بخشی از وظایف متولی آستانهٔ حضرت معصومه‌علیهاالسلام در قم نیز چنین تعریف شده است: تعیین امام جماعت، برگزیدن مؤذن، تعیین قندیل‌چی‌ها برای روشن کردن قندیل‌ها و شمع‌ها، به‌کار گرفتن مأموران نظافت و تهیهٔ آب وضو و تطهیر، نظارت بر عایدات و مخارج آستانه و... (امیری، ۱۳۸٤: ۱۲۸). این داده‌ها نشان می‌دهند متولیان، به‌عنوان بالاترین منصب در هر آستانه، کمابیش وظایفی مشابه داشته‌اند؛ اما تفاوت عمدهٔ یکی در مرتبه و منصب هر متولی و دیگری در میزان وظایف و مسؤلیت وی بود که دو مورد آخر، به اهمیت و گستردگی هر آستانه بستگی داشت.

۳. عناوین و شمار کارکنان آستانه‌ها

چنان‌که اشاره شد، متولیان هر آستانه ـ که مجموعه‌ای از بخش‌های مختلف آستانه و مؤسسه‌های وابسته به آن را اداره می‌کردند ـ بر کار شمار زیادی از دیوانیان زیرمجموعهٔ خود نظارت داشتند. در هریک از زیرمجموعهٔ دیوانی هر آستانه، یک یا چند تن با عناوین مختلف مشغول به کار بودند. این افراد عبارت بودند از: سرکشیکان، خادم‌باشیان، حُفاظ کلام‌الله، اطباء، منجم، خزانه‌دار، صاحب‌نسق، فراشان، بُخورسوزان، مؤذنان، ایاغچیان، علمداران، باغبانان، عملهٔ نقاره‌خانه، بیلدارباشی، کارکنان کارخانجات و بیوتات، تحویلداران، ناظر، مستوفی، منشیان و خدمهٔ بخش‌های مختلف مانند خادمان کتابخانه، شربت‌خانه، دارالشفا، آشپزخانه، عطارخانه، فراش‌خانه، حویج‌خانه، شماعی‌خانه، خبّازخانه، ایاغ‌خانه، قصاب‌خانه، هیمه‌خانه، شیلان، روشنایی و... (میرزا رفیعا، ۱۳۸۵: ۱۷۳ – ۱۷٤).

البته دربارهٔ شمار کارکنان آستانه‌های یادشده، منابع تاریخی این دوره آگاهی و ارقام چندانی ارائه نمی‌دهند؛ اما به‌صورت پراکنده و از لابه‌لای برخی گزارش‌ها می‌توان اطلاعاتی به دست آورد. برای مثال، اولئاریوس به‌صورت کلی گزارش می‌دهد بقعهٔ اردبیل، روزانه سه وعده و هربار به بیش از یک‌هزار تن از خدمهٔ بقعه و فقرا غذا می‌داد

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-16]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.21.3.1]

(اولئاریوس، ۱۳٦۳: ۱۳۰). این عبارت بیانگر آن است که بسیاری از این افراد که روزانه تغذیه می‌شدند، در شمار همان کارکنان و خدمهٔ بقعه بوده‌اند. گزارش دیگری که به آستانهٔ حضرت معصومه‌علیهاالسلام در قم مربوط می‌شود، نشان می‌دهد در آغاز کار صفویان، کارکنان و خادمان این آستانه به حدود پنجاه تن می‌رسیدند؛ اما در زمان دومین شهریار صفوی، یعنی شاه‌تهماسب یکم (۹۳۰ – ۹۸٤) ـ که موقوفات این آستانه افزایش یافته بود ـ بر شمارکارکنان آن نیز افزوده شد و به هفتاد تن رسید. به‌نظر می‌رسد این تعداد در روزگار پادشاهان بعدی همچنان رو به افزایش بوده است. این افراد شامل مستوفی، مشرف، خازن و خادم نیز بوده‌اند که هر یک، شمار زیادی افراد کمکی در کنار خود داشته‌اند (بوسه، ۱۳٦۷: ۲۰۷). بر این اساس، به‌نظر می‌رسد شمار کارکنان آستانه‌های بزرگی چون حرم امام رضاعلیه‌السلام و نیز بقعهٔ اردبیل ـ که بسیار گسترده‌تر بودند ـ به همان نسبت بیشتر بود.

٤. مقامات و تشکیلات «سرکار فیض‌آثار»

چنان‌که از منابع دورهٔ صفوی برمی‌آید، اصطلاح «سرکار فیض‌آثار» برای اراضی وقفی و برخی اراضی غیروقفی و نیز تشکیلات دیوانی مربوط به آن‌ها ـ که متعلق به آستانهٔ امام رضاعلیه‌السلام بودند ـ به‌کار می‌رفت. بر این اساس، یکی دیگر از مقامات برجستهٔ این تشکیلات، در دارالسلطنهٔ اصفهان، «وزیر سرکار فیض‌آثار» (وزیر موقوفات آستانهٔ امام رضاعلیه‌السلام) نامیده می‌شد. منابع حاکی از آن است که وظیفهٔ این وزیر، نظارت بر کشت و زرع اراضی، مراقبت از مستغلات و آسیاب‌ها و قنات‌ها بود. محصول محال (اصفهان) و دیگر عواید موقوفات سرکار فیض‌آثار، از رعایا و مستأجران با مهر و اطلاع وی وصول می‌شد و به مصارف مقرر می‌رسید. وی همچنین وظیفه داشت در آباد کردن محال و افزایش زراعت بکوشد (میرزا سمیعا، ۱۳۷۸: ٤٤؛ لمبتن، ۱۳۷۷: ۲۳٦).

اما به نوشتهٔ میرزا رفیعا، وظایف این وزیر به موقوفات سرکار فیض‌آثار در محال اصفهان محدود می‌شد، اما در سایر ولایات، چنین وظایفی به عهدهٔ مستوفیان بوده است.[1] دربارهٔ وظایف این وزیر در سایر ولایات، تنها به این نکته اشاره می‌کند که

۱. گفتنی است یکی از مهم‌ترین مناصب پس از منصب صدر در ادارهٔ امور موقوفات مزارها، «مستوفی موقوفات»

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-16]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.21.3.1]

تعیین متصدیان و باغبان‌باشیان سرکار فیض‌آثار، علاوه بر اصفهان، در دیگر ولایات، با تأیید این وزیر و اجازهٔ صدر خاصه انجام می‌شد (میرزا رفیعا، ۱۳۸۵: ۲۳۳). با این همه، این وزیر و مستوفیان موقوفات سرکار فیض‌آثار، در مقابل متولی این آستانه ـ که مقامی بالا بود و عنوان «عالیجاه» داشت ـ نیز مسئول بودند (همو: ۱۷۳ – ۱۷٤).

از سوی دیگر، موقوفات چهارده معصوم علیهم‌السلام که در زمان شاه‌عباس یکم (۹۹٦ – ۱۰۳۸) گسترش یافت[1] نیز توسط «مستوفی چهارده معصوم» و «وزیر موقوفات چهارده معصوم» اداره می‌شد. این مستوفی، داد و ستد کل موقوفات یادشده را به عهده داشت

بود که مقامی بالا به شمار می‌رفت. بخشی از وظایف این مستوفی آن بود که پس از دریافت محاسبات وزیران، مستوفیان (جزء)، متولیان و متصدیان موقوفات خاصه و عامه توسط «دفترخانهٔ موقوفات»، تمام آن‌ها را بررسی کند و اسناد و مفاصاحساب هر یک را صادر نماید. سپس طومار هر یک از مزارها را طبق دستور صدر تنظیم کند و به هر یک از متولیان و مباشران موقوفات ارائه نماید که بر اساس آن عمل کنند (نصیری، ۱۳۷۲: ٦۷؛ میرزا رفیعا، ۱۳۸۵: ۲۳٦).

اما «دفترخانهٔ موقوفات» یا «دفتر موقوفات» در دورهٔ صفوی، دیوانی بود که عواید موقوفات را جمع‌آوری و حساب‌رسی می‌کرد. این دفترخانه زیر نظر صدر، اما با ریاست مستوفی موقوفات به امور رسیدگی می‌نمود. در این دفترخانه تمام اطلاعات ریز اراضی و املاک وقفی مانند مساحت، طرز کشت و دریافت و پرداخت‌های سالانهٔ آن‌ها ثبت می‌شد (کمپفر، ۱۳٦۳: ۱۲۲).

شاردن نیز می‌گوید: دفترخانهٔ موقوفات همانند دیوان محاسبات کل کشور، دارای دو ادارهٔ جداگانه بود. یکی از آن دو، وظیفهٔ رسیدگی به کلیهٔ امور خاصه (موقوفات سلطنتی) را بر عهده داشت و وظیفهٔ دیگری، رسیدگی به امور موقوفاتی بود که اشخاص یا مؤسسات دیگر وقف کرده بودند (شاردن، ۱۳۷٤: ۱۳٤۲).

۱. دربارهٔ کمّ و کیف موقوفات چهارده معصوم علیهم‌السلام باید گفت شاه تهماسب یکم (۹۳۰–۹۸٤) موقوفاتی را وقف چهارده معصوم علیهم‌السلام کرده بود (سلطانیان، ۱۳۹۳: ۸–۵۵)، اما بیشتر از شاه تهماسب، موقوفات خواهرش «مهین‌بانو»، معروف به «سلطانم» ـ که به پرهیزگاری و دین‌داری نیز شهره بود ـ بر ما آشکار است. این خواهر فهیم شاه، املاک نفیسی را که در شیروان، ارسباران، تبریز، قزوین، ساوجبلاغ، شهریار، ری، اصفهان، گرم‌رود و استرآباد به هم رسانیده بود، وقف چهارده معصوم علیهم‌السلام کرد و تولیت آن را به شاه تهماسب و پس از وی به پادشاه وقت واگذار کرد. درآمد این موقوفات را نیز به سادات فاطمی اثنی‌عشری که سیورغال نداشتند ـ اعم از مرد و زن، به‌ویژه زنان بی‌شوهر ـ اختصاص داد (قمی، ۱۳۵۹: ۳۱–٤۳۰).

با این همه، در میان پادشاهان صفوی، شاه عباس یکم (۹۹٦ – ۱۰۳۸) بیشترین اراضی و اموال را وقف چهارده معصوم علیهم‌السلام کرده بود. ارزش این موقوفات ـ و نه عواید آن‌ها ـ را اسکندربیک ترکمان (منشی) بیش از یکصد هزار تومان شاهی عراقی و مؤلف *زبدة التواریخ* طبق قبالجات و ثبت دفاتر، یکصد و بیست هزار تومان نوشته‌اند (ترکمان، ۱۳۸۲: ۷٦۰؛ مستوفی، ۱۳۷۵: ۱۰۲). در واقع، دورهٔ سلطنت او را باید سرآغازی نوین در گسترش وقف دانست. اصل وقف‌نامهٔ شاه عباس که به قلم شیخ بهاءالدین محمد عاملی، معروف به «شیخ بهایی» نوشته شده، در کتاب *قصص الخاقانی* آمده است (برای ملاحظهٔ اصل وقف‌نامه، نک: شاملو، ۱۳۷۱: ۱۸۷؛ حسینی استرآبادی، ۱۳٦٦: ۱۳۵ – ۱۳۹).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-16]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.21.3.1]

که همه با مهر و نوشتهٔ وی انجام می‌گرفت. وظایف وزیر ایـن موقوفـات نیـز هماننـد وظایف وزیر سرکار فیض‌آثار بوده است (نصیری، ۱۳۷۲: ٤٨، ٦٦).

ب) کمّ و کیف عواید آستانه‌ها و محل‌های مصرف آن‌ها

از آن‌جا که مسائل اقتصادی نیز مرتبط و مکمل ساختار نظام دیوانی آستانه‌ها بوده‌اند، بررسی آن‌ها نیز می‌تواند روشنگر ابعاد دیگری از این ساختار باشد. از این‌رو در این‌جا دو موضوع مهم دیگر مورد مطالعه قرار می‌گیرند؛ یکی این‌که عواید هر آسـتانه از چـه منابعی تأمین می‌شده و میزان آن چقدر بوده است؟ دیگـر ایـن‌کـه ایـن عوایـد در چـه محل‌هایی و چگونه به مصرف می‌رسید؟ این بررسی ـ که بر اساس گزارش‌ها مورخان صفوی صورت می‌گیرد ـ پاره‌ای از مسائل دیوانی را آشکار خواهدکرد.

۱. منابع عواید آستانه‌ها

در این‌باره باید گفت بیشترین عواید، نخست از راه اجارهٔ اراضی وقفی و پـس از آن از تأسیسات عمومی موقوفی به‌دست می‌آمـد. پـس از ایـن‌هـا، نـذورات و صـدقات و همانند آنها بودند که در رتبهٔ سوم قرار داشـتند (سـلطانیان، ۱۳۹۳: ٦٥). بـا ایـن همـه، دربارهٔ عواید کل اراضی وقفی، هزینه‌ها و محل‌های مصرف آن‌ها نمی‌توان اعداد و ارقام دقیقی ارائه داد؛ زیرا آثار مورخان رسمی این دوره نیز در این موارد چندان دقیق نیستند. بر این اساس، آن‌چه در منابع رسمی این دوره، دربارهٔ عواید و مخارج موقوفات آمـده، جز در مواردی، بیشتر بر حدس و گمان استوار است.

اما به لحاظ میزان موقوفات باید گفت در دورهٔ صـفویان، بیشـترین موقوفـات از آن مزارهای امامـان و امامزادگـان علیهم‌السلام بـود. پـس از آن، وقـف بـرای تعمیـر و نگـه‌داری، روشنایی، فرش و... در دیگر بناهای مذهبی به کار می‌رفت که در رتبهٔ دوم قرار داشت. پس از این‌ها، موقوفات متعلق به مدارس بود (احمدی، ۱۳۸٤: ٤٨). بـه نظـر مـی‌رسـد سوق دادن کارکردهای وقف به سوی اهداف سیاسی حکومت، یکـی ار دلایـل توسـعهٔ وقف توسط پادشاهان صفوی بوده است.

از سویی، چون بیشترین موقوفات را در دورهٔ صفویان، موقوفات چهارده معصوم علیهم‌السلام تشکیل می‌داد، به‌نظر می‌رسد عواید حاصل از آن نیز ـ که به آستانه‌های معصـومین علیهم‌السلام

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-16]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.21.3.1]

تعلق داشت ـ نسبت به دیگر موقوفات بیشتر بوده است. برای نمونه، اسکندربیک ترکمان (منشی)، عواید این موقوفات را در روزگار شاه‌عباس یکم (۹۹٦ – ۱۰۳۸)، پس از کسر هزینه‌های زراعت، به‌طور متوسط نزدیک به هفت هزار تومان نوشته است (ترکمان، ۱۳۸۲: ۷٦۰).[1] اما به نظر می‌رسد عواید این موقوفات بعدها رو به افزایش نهاد؛ چنان‌که مؤلف *عباس‌نامه* میزان عواید موقوفات چهارده معصوم علیهم‌السلام را در زمان شاه‌عباس دوم (۱۰۷۷–۱۰۵۲) سالانه نزدیک به ۱۳ – ١٤ هزار تومان ذکر کرده است (وحید قزوینی، ۱۳۲۹: ۲۲۳).

اما اگر سهم هر آستانه و بقعه از درآمد موقوفات به‌طور جداگانه در نظر گرفته شود، باید گفت بیشترین عواید موقوفات از آن آستانهٔ امام رضا علیه‌السلام در مشهد بوده است. در این دوره، به منظور تأمین هزینه‌های آستان قدس، شمار زیادی از مزارع و باغ‌ها‌را در نواحی مختلف، به عنوان سیورغال به آن اختصاص داده بودند (حسن‌آبادی،۱۳۹۰: ٤۰–٤۱). در همین راستا، مؤلف *دستورالملوک* که به دورهٔ پایانی صفویان نظر دارد، گزارش می‌دهد که عواید اراضی وقفی، نذوراتی که از ولایات دوردست ایران و هندوستان به‌دست می‌آمد و نیز درآمدهای دیگر، در مجموع به حدود چهارهزار خروار جنس و سه‌هزار تومان وجه نقد بالغ می‌شد (میرزا رفیعا، ۱۳۸۵: ۱۷٦). گزارش دیگری حاکی است که میزان عواید این آستانه، در دورهٔ شاه سلطان‌حسین (۱۱۳۵–۱۱۰۵) به پانزده‌هزار تومان می‌رسید (لمبتن، ۱۳۷۷: ٦۵، دیباچه). این رقم و رقم *دستورالملوک* ـ که هردو مربوط به دورهٔ متأخر صفویان هستند ـ با هم تفاوت دارند. اما اگر بهای چهارهزار خروار جنس، به علاوهٔ سه‌هزار تومان برابر یا نزدیک به همان پانزده‌هزار تومان باشد، هردو گزارش به هم نزدیک‌اند. با این همه، مؤلف *دستورالملوک* با لحنی گله‌آمیز می‌افزاید که مقرر بود حکام و عمال ممالک محروسه در امداد و اعانت کوتاهی نکنند و هر ساله مبلغ سیصد تومان نقد و مقدار سیصد من موم زرد و کافوری و مقداری فتیلهٔ عنبر و کشته و برمکی برای نذورات آن آستان بفرستند (میرزا فیعا، ۱۳۸۵: ۱۷٦). از این گفته چنین برمی‌آید که آن حکام و عمال، به آن‌چه مقرر بود عمل

۱. منابع دیگر، ارقامی متفاوت ذکر کرده‌اند. نصرالله فلسفی به نقل از *تاریخ خلد برین*، این عواید را شش هزار تومان و به نقل از *تاریخ عباسی* آن را حدود هشت هزار تومان نوشته است (فلسفی، ۱۳۷۱: ۸۷۷).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-16]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.21.3.1]

نمی‌کردند و کوتاهی آنان سبب کاهش عواید آستانهٔ امام رضا علیه‌السلام در روزگار پایانی صفویان شده بود. البته از این داده‌ها نتیجهٔ دیگری نیز می‌توان گرفت و آن این‌که در دوره‌های پیش از شاه سلطان‌حسین ـ که اوضاع اقتصادی امپراتوری صفوی منظم‌تر و پررونق‌تر بود ـ این عواید نیز بیشتر بوده است؛ زیرا در نتیجهٔ روند بی‌ثباتی که در روزگار پایانی حکومت صفویان به‌وجود آمده بود، بسیاری از موقوفات غصب شد، یا عواید حاصل از آن‌ها به آستانه‌ها نمی‌رسید.

همچنین از گذشته، اموال زیادی در سراسر ایران به‌ویژه در آذربایجان، وقف بقعهٔ اردبیل ـ که از بقاع مهم به شمار می‌رفت ـ شده بود.[1] اما منابع از میزان درآمد این موقوفات اطلاعات چندانی ارائه نمی‌دهند. با این همه، اولئاریوس در برآوردی کلی درآمد بقعهٔ اردبیل از موقوفات، مالیات‌ها، صدقات و نذورات را چندین میلیون تالر[2] می‌داند (اولئاریوس، ۱۳۶۳: ۱۳۲). با توجه به این‌که هر یکصدتومان برابر با هزار و هفتصد تالر محاسبه می‌شد، عواید این آستانه نیز رقمی بسیار بزرگ بود. البته آستانهٔ حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام نیز به دلیل موقوفات بسیاری که در نواحی ری داشت، از

۱. اراضی و اموال بسیاری وقف این بقعه ـ که از گذشته‌های دور مورد احترام و توجه خاص بسیاری از بزرگان قرار داشت ـ شده بود. برای مثال، در سال ۱۰۱۱، فرستادهٔ شاه عباس یکم به بلخ، وقف‌نامه‌ای در آن‌جا یافت که به موجب آن، تیمور املاکی را بر خاندان صفوی وقف کرده بود. در آن سند آمده بود که تیمور آن اراضی را در ولایات اصفهان، همدان، طالش و طارم «به زر حلال خود خریده» و به فرزندان ذکور سلطان خواجه علی وقف کرده است (لمبتن، ۱۳۷۷: ۲۲۳).

افزون بر این‌ها، بر اساس گزارش اولئاریوس، ۳۳ روستا از کل روستاهای اطراف اردبیل، ۵ روستا در سراب، همچنین در سایر شهرها موقوفاتی به این بقعه تعلق داشتند. وی می‌افزاید: تنها در اردبیل دویست باب منزل، نُه دستگاه گرمابه، هشت کاروان‌سرا، قیصریهٔ بزرگ، کل میدان و تمام حجره‌ها و دکان‌های اطراف آن، نیز یکصد حجرهٔ دیگر در بازار، همگی مالیات و عوارض خود را به بقعه می‌پرداختند ((اولئاریوس، ۱۳۶۳: ۱۳۳).

گزارشی دیگر حاکی است که در آغاز قرن یازدهم هجری، موقوفات بقعهٔ صفویان در اردبیل شامل ۶۵۰ بخش از اراضی مزروعی بود که توسط زارعان مستأجر کشت می‌شد. این اراضی در مجموع حدود ده هزار جریب از زمین‌های آبی و مزروعی را دربر می‌گرفت که به آن، املاکی در قزوین، مغان، گیلان و گرگان را نیز باید افزود (Bausani, 1971:150).

نوعی دیگر از این موقوفات، مجموعه‌ای ازکتب فارسی، از جمله کتب تاریخی، دیوان‌ها و تصنیفات ایرانی بود که شاه‌عباس یکم آن‌ها را وقف آستانهٔ اردبیل کرد به آن‌جا فرستاد. تاریخ این وقف را سال‌های ۱۰۱۷ و ۱۰۲۲ ذکر کرده‌اند (دانش‌پژوه، ۱۳۸۵: ۲۸۱– ۲۸۵).

۲. تالر، واحد پول آلمان در دورهٔ مورد بحث است. هر تومان معادل ۱۷ تالر بود.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-16]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.21.3.1]

آستانه‌های پردرآمد به شمار می‌آمد.

۲. محل‌های مصرف عواید آستانه‌ها

همان‌گونه که عواید آستانه‌ها از منابع گوناگونی به دست می‌آمد، محل‌های مصرف آن نیز گوناگون بود. البته عواید موقوفات، بر اساس شروط و نیات واقفان، در محل‌های مورد نظر آنان به مصرف می‌رسید. در این راستا، بخشی از عواید اراضی و مستغلات وقفی به طبقات دینی، یعنی روحانیان، مدرسان، طلاب و همانند آنان اختصاص می‌یافت. با این حال، گاهی نیز «وظیفهٔ» روحانیان از درآمدهای مالیاتی پرداخت می‌شد؛ وظیفه به صورت نقدی یا جنسی یا هر دو پرداخت می‌گردید (بوسه، ۱۳٦۷: ۱۸٤). بنا به گزارش کمپفر، در مدارسی که از سوی شاه وقف شده بودند، حقوق مدرس به یکصد تومان (۱۷۰۰ تالر) می‌رسید. در سایر مدارس، این حقوق کمتر و به‌طور معمول حدود پنجاه تومان (۸۵۰ تالر) بود. این حقوق بالای مدرسان سبب شد کمپفر با افسوس بگوید: «کاش در آلمان نیز به استادان ـ این فروزندگان چراغ دانش ـ چنین موهبتی ارزانی می‌شد!» (کمپفر، ۱۳٦۳: ۱٤۱). البته، به‌جز مدرسان و روحانیان، به هر یک از طلاب نیز مبلغی برای گذران زندگی‌شان، از همان عواید موقوفات پرداخت می‌کردند. در مدارس منتسب به شاه، این کمک روزانه به یک عباسی (دو درهم نقره = ۰/۲ تالر) می‌رسید. در سایر مدارس، به طلاب روزانه یک محمودی یا یک شاهی می‌پرداختند که برابر نصف یا یک ربع عباسی بود. این کمک، خرج را مدرس از پیش به‌صورت هفتگی به طلاب می‌پرداخت؛ اما او خود تمام بودجهٔ سالانهٔ مدرسه را یک‌جا از متصدی موقوفات دریافت می‌کرد. تقسیم عواید موقوفات، هر ساله توسط صدر و در حضور شاه یا نمایندگان وی انجام می‌شد. بخشی از عواید طلاب ـ که تنها از ناحیهٔ اصفهان گرد می‌آمد ـ سالانه به حدود هزار چهارصد تومان (۲۳۸۰۰ تالر) بالغ می‌شد (همو: ۱٤۲ – ۱٤۳).

بخش دیگری از عواید موقوفات به عنوان حقوق به صدرها، متولیان و خادمان آستانه‌ها و بقاع متبرکه پرداخت می‌شد. بنا به گزارش شاردن، صدرها و معاونان آنان و نیز متصدیان املاک و کسانی که وظیفهٔ تقسیم درآمد موقوفات را به عهده داشتند، بخش عظیمی از این درآمدها را به خود اختصاص می‌دادند. همو می‌نویسد:

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-16]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.21.3.1]

میزان حقوق سالیانهٔ صدر دو هزار تومان، معادل سی هزار اِکو[1] پـول ماسـت.[2] اما چون به ازای این مبلغ حوالهٔ زمین به ایشان می‌دهند و درآمـدهای دیگـری نیز دارند، مجموع عواید ایشان از شصت هزار اِکو می‌گذرد. (شاردن، ۱۳۷٤: ۱۳٤۳)

بخشی از این‌گونه حقوق‌ها، از عواید آستانه‌ها به صدرها پرداخـت مـی‌شـد و بقیـهٔ آن از محل‌های دیگری تأمین می‌گردید. برای مثال، طبق اسناد آستان قدس، عواید صدر ـ که در طوماری مخصوص نوشته می‌شد ـ در ذیل سایر درآمدها، از «عشر و ده‌نیم» نام برده شد. این درآمد ـ که گفته شد معادل ۱۵٪ عواید حاصل از سیـورغـالات بوده ـ از بابت نظارت بر اراضی سـیورغال بـه صـدر پرداخـت مـی‌شـد (حسـن‌آبـادی، ۱۳۹۰: ۳۸ – ۳۹).

از منابع چنین برمی‌آید که حقـوق متـولیـان آستـانه‌های بزرگ نیـز ـ که از مقامات عالی‌رتبه به‌شمار می‌رفتند ـ رقم بالایی بود و تـا یـک‌دهـم کـل درآمـدهای آسـتانه را تشکیل می‌داد (میرزا رفیعا، ۱۳۸۵: ۱۷۷). متولیان مبلغی نیز به‌عنوان «رسوم» یا رسومات دریافت می‌کردند که «حق التولیه» نامیده می‌شد. رسومات معمولی هر متولی نیز متجاوز از هفتصد تومان بود (همو: ۱۷۹). بدیهی است متولیان بقاع کم‌اهمیت‌تر، از رسومات و عواید کمتری برخوردار بوده‌اند. برای مثل، گفته شده است هر یک از متولیان مزارهـای سه‌گانهٔ پادشاهان صفوی در قم ـ شاه صفی، شاه‌عباس دوم و شاه‌سلیمـان ـ صد تومان مقرری داشته‌اند (همو: ۱۷۸). بدیهی است رسومات آنان نیز به همان نسبت کمتر بود.

با این همه، بیشترین عواید موقوفات آستانه‌ها و بقاع متبرکه، در اختیار متولیـان آنهـا قرار می‌گرفت که بر اساس نیات و شروط واقفان، برای هزینه‌های گوناگون آسـتانه‌هـا مصرف شود. بر این اساس، بخشی از درآمدها، برای هزینه‌های تعمیر و نگـه‌داری ایـن اماکن، کمک به فقیران، اطعام مسکینان و زوار آسـتانه‌هـا، پرداخـت حقـوق متولیـان و خدمتکاران، تنخواه تحویلداران، حقوق کارگران، وظیفـهٔ جمعـی از وظیفـه‌بگیـران و...

۱. یکی از واحدهای پول فرانسه بود. شاردن هر تومان را معمولاً برابـر ۱۵ اکـو (Ecu) یـا ٤٥/٥ لیـور محاسـبه می‌کرد. وی محاسبات خود را گاهی با فرانک و گاهی نیز با لیور انجام می‌داد که هر دو یکسان و برابر بودند.
۲. میرزا رفیعا نیز می‌نویسد: مدد معاش میرزا ابوطالب، صدر خاصه به ۱۳٦۰ تومان بالغ می‌شد. وی می‌افزاید: به نظر نمی‌رسد کسی غیر از او چنین مبلغی را دریافت کرده باشد (میرزا رفیعا، ۱۳۸۵: ۱۷٤).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-16]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.21.3.1]

پرداخت می‌شد (سلطانیان، ۱۳۹۳: ٦۹). برای مثال، در اعیاد، چهارصد من برنج با «مصالح و تکلفات» در مطبخ آستانهٔ امام رضاؑ پخته می‌شد. برای کمک به فقرا و زوار نیز روزانه ۱۰۸ من برنج و ۷۵ من[1] گوشت و هزار و دویست عدد نان، غیر از آش و حلیم، در شیلان آن آستانه صرف می‌شد (میرزا رفیعا، ۱۳۸۵: ۱۷۷). البته از عواید موقوفات، به صورت‌های دیگری نیز به زوار کمک می‌کردند. برای نمونه، در یکی از «رقبات» (روستای وقف شده) خواجه کریم‌الدین پاریزی، به نام «عقدا» ـ که بین راه یزد واقع بود ـ به هر یک از زوار مشهد که از آن روستا می‌گذشتند، بر طبق نظر واقف، یک جفت گیوه و یک من نان می‌دادند (باستانی پاریزی، ۱۳٤۸: ۷۵).

بقعهٔ اردبیل نیز ـ که از بقاع مهم و پر درآمد به‌شمار می‌رفت ـ هزینه‌های زیادی داشت؛ چنان‌که از مطبخ آن، روزانه سه وعده و هر بار به بیش از یک‌هزار نفر از خدمهٔ بقعه، فقیران و مسکینان غذا داده می‌شد (اولئاریوس، ۱۳٦۳: ۱۳۰).[2]

نگاهی به برخی سوء استفاده‌ها از موقوفات آستانه‌ها

سرانجام باید به برخی سوء استفاده‌ها نیز اشاره کرد. در دورهٔ صفویان، به همان نسبت که بر موقوفات افزوده شد، سوء استفاده از آن‌ها نیز افزایش یافت. چنین روندی، به‌ویژه در دورهٔ شاه عباس دوم (۱۰۵۲ – ۱۰۷۷)، تا آن‌جا پیش رفت که وی را ناگزیر به مداخله و مقابله با این پدیدهٔ ناپسند کرد؛ چنان‌که پیش‌تر اشاره شد، در سال ۱۰٦۵ نظرعلی‌خان ـ حاکم و متولی دارالارشاد اردبیل ـ به علت تصرف موقوفات آن بقعه و شکایات رعایا، از حکومت عزل شد (وحید قزوینی، ۱۳۲۹: ۲۱٦). باز در همین دوره بود که شاردن از درآمدهای کلان صدرها و معاونان آنان گزارش می‌دهد؛ به‌گونه‌ای که شاه‌عباس دوم ناگزیر به کاهش عواید کلان آنان شد. وی می‌افزاید:

۱. «یک‌من» وزن معمول ایران در زمان شاه‌عباس یکم، در سراسرکشور یکسان نبود. برای مثال، یک‌من در تبریز معادل سه کیلو، در گیلان معادل شش کیلو و در شماخی و قراباغ مساوی با هشت کیلو بوده است.

۲. در همین‌باره گفتنی است در مناطق مسیحی‌نشین، کلیساها نیز موقوفات خاص خود را داشته‌اند. از جملهٔ این کلیساهای معروف، کلیسای اچمیازین (اوچ کلیسا) بود که درآمد آن به مصرف مخارج کلیسا و وظیفه‌خواران و خادمان آن می‌رسید. هنگامی که موقوفات این کلیسا مورد تعرض قرار گرفت، خلیفهٔ کلیسا در مکتوبی از شاه‌عباس دوم تقاضا کرد موقوفات آن را که از سال‌ها پیش برقرار بود، با حکمی ابقا نماید که کسی مدعی آن نشود و مزاحمتی ایجاد نکند (قائم‌مقامی، ۱۳۵۰: ۱۱۱ – ۱۱۲).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-16]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.21.3.1]

این پادشاه، گروهی از روحانیان بزرگ و متصدیان امور شرع را دعوت کـرد و ضمن هشدار به تجاوزشان به اموال و عایدات موقوفات، از میزان درآمـد آنـان کاست (شاردن، ۱۳۷٤: ۱۳٤۳).

البته غیر از صدر و کارگزاران وی ـ که حـق مداخله در امـور اوقـاف را داشـتند ـ مقامات دیگری چـون حاکمـان، بیگلربیگیـان، کلانتـران و قضـات نیـز بـه روش‌هـای گونـاگون، در موقوفـات، مداخلـه و دخـل و تصـرف مـی‌کردنـد (نـوایی و احمـدی، ۱۳۸۱: ۳۹).

افزون بر این‌ها، مؤلف *عباس‌نامـه* نیز از حیف و میل موقوفات در این دوره گـزارش می‌دهد. از جملهٔ این موارد، سـوءاسـتفاده از موقوفـات چهـارده معصـوم علیهم‌السلام بـود کـه شاه‌عباس دوم به بررسی آن پرداخت (وحید قزوینی، ۱۳۲۹: ۲۲۳ – ۲۲٤). همچنـین از موقوفات آستانهٔ امام رضا علیه‌السلام نیز سوءاستفاده‌هایی می‌شد. نمونه‌ای از آن در دورهٔ پایانی سلطنت شاه محمد خدابنده (۹۹۵–۹۸۵) روی داد که در آن، مرتضی قلـی‌خـان پرنـاک ـ حاکم مشهد ـ برای جمع‌آوری سپاه و مقابله با رقیبان، به اموال وقفی آن آستانه چنگ انداخته بود (مستوفی، ۱۳۷۵: ۸۹). دیـگری در روزگـار شـاه سـلطان‌حسـین (۱۱۰۵–۱۱۳۵) و در سال‌های ۱۱۲۸ – ۱۱۲۹ بود که هر بار سرداران شاه برای جنگ با افغانان، بسیاری از اسباب و طلا و نقرهٔ آن آستانه را ظاهراً برای تدارک جنگ صرف کرده بودند (مرعشی، ۱۳٦۲: ۲٦ – ۲۷).

نتیجه‌گیری

در دورهٔ صفویان، بسیاری از آستانه‌ها و بقـاع متبرکـه بازسـازی شـد و در سـاختار دیوانی آن‌ها دگرگونی‌هـایی بـه‌وجـود آمـد. از ایـن‌رو، بـرای آشـکار سـاختن چنـین دگرگونی‌هایی، چند آستانهٔ مهم‌تر ـ مانند آستانه‌های مشهد، قم، عتبات عالیـات و بقعـهٔ اردبیل ـ از دو منظر مورد مطالعه و مقایسه قرار گرفتند؛ نخسـت از منظـر کـمّ و کیـف ساختار دیوانی و دیگر، از جنبهٔ عواید و محل‌های مصرف این عواید.

از این‌رو، در بخش نخست کوشیده شد ساختار دیوانی به وجـود آیـد و چگـونگی ادارهٔ این آستانه‌ها نشان داده شود. در این راستا، نخست منصـب، وظـایف و مسـؤلیت

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-16]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.21.3.1]

متولیان ـ به عنوان بالاترین مقام دیوانی آستانه‌ها ـ مورد مطالعه قرار گرفت. متولیان در واقع از مقامات عالی‌رتبهٔ لشکری وکشوری بودند و مناصبی چون «قورچی‌باشی»، «امیر»، «بیگلربیگی» و «حاکم» داشتند. در آستانه‌های بزرگ متولیان بر بخش‌های گوناگونی چون کتابخانه، شربت‌خانه، دارالشفا، آشپزخانه، عطارخانه، فراش‌خانه، حویج‌خانه، شماعی‌خانه، خبّازخانه، ایاغ‌خانه، قصاب‌خانه، هیمه‌خانه و... نظارت داشتند. گذشته از این‌ها، ادارهٔ تأسیسات جنبی هر آستانه مانند مسجد و مدارس دینی نیز بر عهدهٔ متولیان بود. همچنین وزیر و مستوفیانی که امور موقوفات آستانه‌ها را بر عهده داشتند، جملگی در برابر مقام متولی مسئول بودند. چنین ساختار گسترده‌ای سبب شده بود در آستانه های بزرگ، دو متولی منصوب شوند که با تقسیم کارها، امور مربوطه را بهتر اداره نمایند. این بررسی نشان داد چنین ساختاری کمابیش در تمام آستانه‌های بزرگی که مورد مطالعه قرار گرفتند، یکسان بوده است.

از سوی دیگر، ادارهٔ چنین تشکیلات گسترده‌ای به همان نسبت هزینه‌های بسیاری نیز داشت. مهم‌ترین این هزینه‌ها عبارت بودند از بخشی از حقوق صدرها، حقوق بالای متولیان در آستانه‌های بزرگ، حقوق شمار زیادی از کارکنان، هزینه‌های تعمیر و نگه‌داری، مخارج طعام روزانهٔ کارکنان و زوار و مسکینان، هزینه‌های برخی مدارس مذهبی و مساجدی که تحت پوشش این آستانه‌ها قرارداشتند و... . از این‌رو ـ چنان‌که نشان داده شد ـ یکی از مهم‌ترین منابع تأمین این‌گونه هزینه‌ها، عواید اموال و اراضی وقفی گسترده‌ای بود که در سراسر ایران و حتی در خارج از کشور، وقف آستانه‌های مقدس می‌شد. به‌طورکلی، در این دوره، فرهنگ وقف گسترش یافت و در نتیجه بسیاری از حاکمان و بزرگان و خیّران، اراضی و اموالی را ـ به نیت وقف و البته گاه به نام وقف، ولی برای مصونیت از غصب و مصادره ـ وقف کرده بودند. گذشته از این‌ها، بخش دیگری از هزینه‌ها نیز از طریق وجوه نقدی اشخاص، نذورات بسیاری که از سراسر کشور می‌رسید، اجناس و اقلام گوناگون از مواد غذایی و... تأمین می‌شد.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-16]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.21.3.1]

منابع

ـ احمدی، نزهت (۱۳۸٤ش)، «تشیع و وقف در عصر صفوی»، فصل‌نامه علمی ـ پژوهشی *مطالعات و پژوهش‌های دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی اصفهان*، شماره ٤۰.

ـ امیری، محمود (۱۳۸٤ش)، «حرم حضرت معصومه علیها السلام از نگاه سفرنامه‌نویسان اروپایی»، *وقف میراث جاویدان*، شماره ۵۲.

ـ اولئاریوس، آدام (۱۳٦۳ش)، *سفرنامهٔ مسکو و ایران*، ترجمه« احمد بهپور، تهران، انتشارات ابتکار.

ـ باستانی پاریزی، محمدابراهیم (۱۳٤۸ش)، *سیاست و اقتصاد عصر صفوی*، تهران، انتشارات صفی‌علیشاه.

ـ بوسه، هریبرت (۱۳٦۷ش)، *پژوهشی در تشکیلات دیوان اسلامی*، ترجمه: غلامرضا ورهرام، تهران، مؤسسهٔ مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

ـ ترکمان، اسکندربیک (۱۳۸۲ش)، *تاریخ عالم‌آرای عبّاسی*، به کوشش: ایرج افشار، تهران، امیرکبیر.

ـ حسن‌آبادی، ابوالفضل (۱۳۸۲ش)، «تاریخچهٔ تشکیلات اداری آستان قدس رضوی در دورهٔ صفویه»، *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، ش ۷۰ – ۷۱.

ـ ــــــــــــــــ (۱۳۹۰ش)، «عشر و ده‌نیم؛ بررسی یکی از اصطلاحات مالی دورهٔ صفویه)»، *گنجینهٔ اسناد*، ش ۸۱.

ـ حسینی استرآبادی، سیدحسن بن مرتضی (۱۳٦٦ش)، *از شیخ صفی تا شاه صفی (تاریخ سلطانی)*، به کوشش: احسان اشراقی، تهران، انتشارات علمی.

ـ خواندمیر، غیاث‌الدّین (۱۳۵۳ش)، *حبیب السّیر*، تهران، انتشارات خیام.

ـ دانش‌پژوه، محمدتقی (۱۳۸۵ش)، «دربارهٔ کلمهٔ ستی»، *فرهنگ ایران زمین*، به‌کوشش: ایرج افشار، تهران، انتشارات سخن.

ـ رهربرن، کلاوس میشائیل (۱۳٤۹ش)، *نظام ایالات در دورهٔ صفویه*، ترجمه: کیکاووس جهانداری، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

ـ سلطانیان، ابوطالب (۱۳۹۳ش)، *نظام زمین‌داری و کشاورزی در دورهٔ صفویه*، رشت،

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-16]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.21.3.1]

انتشارات دانشگاه گیلان.
ـ شاردن، ژان (۱۳۷٤ش)، *سفرنامه شاردن*، ترجمه: اقبال یغمایی، تهران، انتشارات توس.
ـ شاملو، ولی قلی بن داود قلی (۱۳۷۱ش)، *قصص الخاقانی*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
ـ شیرازی، عبدی‌بیک (۱۳٦۹ش)، *تکملة الاخبار*، تصحیح: عبدالحسین نوایی، تهران، نشر نی.
ـ عقیلی، سیدعبدالله (۱۳۷۸ش)، «فرمان اشرف افغان و موقوفات آستانهٔ حضرت عبدالعظیم»، *وقف میراث جاویدان*، شماره ۲۸.
ـ غفاری قزوینی، قاضی‌احمد (۱۳٤۳ش)، *تاریخ جهان‌آرا*، به‌کوشش: مجتبی مینوی، تهران، انتشارات حافظ.
ـ فلسفی، نصرالله (۱۳۷۱ش)، *زندگانی شاه‌عباس اول*، تهران، انتشارات علمی.
ـ قائم‌مقامی، جهانگیر (۱۳۵۰ش)، *مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی*، تهران، انتشارات انجمن آثارملی.
ـ قمی، قاضی‌احمد (۱۳۵۹ش)، *خلاصة‌التواریخ*، تصحیح: احسان اشراقی، تهران، دانشگاه تهران.
ـ کمپفر، انگلبرت (۱۳٦۳ش)، *سفرنامه به ایران*، ترجمه: کیکاووس جهانداری، تهران، خوارزمی.
ـ لمبتن، ان. ک. اس (۱۳۷۷ش)، *مالک و زارع در ایران*، ترجمه: منوچهر امیری، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
ـ مرعشی صفوی، میرزا محمدخلیل (۱۳٦۲ش)، *مجمع التواریخ*، تصحیح: عباس اقبال، تهران، انتشارات سنایی.
ـ مستوفی، محمدحسن (۱۳۷۵ش)، *زبدة التواریخ*، به‌کوشش: بهروز گودرزی، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
ـ میرزا رفیعا، محمد رفیع بن حسن (۱۳۸۵ش)، *دستور الملوک*، به کوشش: محمداسماعیل مارچینکوفسکی، ترجمه: علی کردآبادی، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-16]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.21.3.1]

ـ میرزا سمیعا (۱۳۷۸ش)، *تذکرة الملوک*، به‌کوشش: سید محمد دبیرسیاقی، تهران، امیرکبیر.
ـ مینورسکی، ولادی‌میر فئودورویچ (۱۳۷۸ش)، *سازمان اداری حکومت صفوی (تعلیقات مینورسکی بر تذکرةالملوک)*، ترجمه: مسعود رجب‌نیا، تهران، امیرکبیر.
ـ نصیری، میرزا علی‌نقی (۱۳۷۲ش)، *القاب و مواجب دوره سلاطین صفوی*، به‌کوشش: یوسف رحیم‌لو، مشهد، دانشگاه فردوسی.
ـ نوایی، عبدالحسین؛ نزهت احمدی (۱۳۸۱ش)، «ساختار نهاد وقف در عصر صفوی»، فصلنامهٔ علمی ـ پژوهشی *دانشگاه الزهرا*، شماره ۴۳.
ـ وحید قزوینی، محمدطاهر (۱۳۲۹ش): *عباس‌نامه*، تصحیح: ابراهیم دهگان، اراک، نشر داوودی.
ـ Bausani, Alessandro (1971), *The Persians*, translated from the Italian by: J.B.Done, London.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-16]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.21.3.1]